

ده فرمان، قانون خدا (خروج ۲۰)



ما خیلی وقتها خودمان را با ملاکهای خودمان و یا با مقایسه با دیگران می‌سنجیم و باعث می‌شود فکر کنیم که در وضعیت خوبی قرار داریم. امروز ما می‌خواهیم ایمان و زندگی خود را با معیار کلام خدا بسنجیم. امروز می‌خواهیم در مورد ده فرمان صحبت کنیم. ده فرمان قانون خداست و امروز هم برای ما در عهد جدید داری مفهوم و اهمیت می‌باشد. ده فرمان یکی از عالیترین معیارها برای زندگی از سوی همه مردم دنیا شناخته شده است. ده فرمان تنها قوانینی است که خود خدا بر روی دو لوح نوشته است (خروج ۳۱:۱۸)، پس می‌بینیم که چقدر اهمیت دارد.

۱- من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم. تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.

قانون اول در مورد منع بت پرستی است. هر چیزی را که ما بیشتر از خدا دوست بداریم، بت است. خانواده، پدر و مادر، فرزندان، دوست، همسر، ثروت و پول، مقام و احترام و جلال انسانی، کار، علم، تفریح، سلامتی، مد و لباس، شهوات، مستی و اعتیاد، لذات گناه آلود، سکس، زنا و لذات جسمانی و دنیوی و حتی لذات مفید مثل

ورزش ، و حتی خدمت و کلیسا می توانند برای ما بت باشند اگر جای خدا را در اولویت اول در بالاترین جا را بگیرند! البته بعضی از این موارد خوب و مثبت هستند ولی نباید در اولویت زندگی ما باشند.

وقتی از مسیح پرسیدند بزرگترین حکم چیست ؟ گفت "خداوند خدای خود را با تمامی جان و تمامی فکر و تمامی توان و تمامی خاطرت محبت نما" (مرقس ۱۲:۳۰) آری خداوند تمامیت ما را می خواهد . بعضی ها خیلی وقتها شکایت می کنند که چرا در زندگی من هیچ چیز در جای خود نیست و اینقدر مشکل دارم ، جوابش این است که "چون خدا در جای خودش در زندگی ما نیست."

اگر خدا در جای خود باشد ، همه چیز در جای خود خواهد بود!

مشکل اسرائیلیان این نبود که خدا را رد می کردند بلکه این بود که خدایان دیگر را هم وارد زندگی خود می کردند. خدا هیچ شریکی را نمی پذیرد. مسیح خداوند گفت : "نمی توان دو آقا را خدمت کرد" (متی ۶:۲۴) قلب ما یک تخت دارد و آیا آنجا مسیح سلطنت می کند یا چیزهای دیگری هم هستند؟ (مثل تمایلات و خواسته های خودمان).

هدف زندگیمان یک اولویت باید داشته باشد و آن خود خدا باشد. مسیحیان اولیه برای این شکنجه می شدند که حاضر نبودند شریک دیگری حتی بصورت ظاهری برای خدا در نظر بگیرند. ما گاهی با زبانمان می گویم که مسیح بر قلب من یگانه پادشاه است ولی ما با سنجش میزان وقت ، پول ، انرژی و عشقی که برای چیزهای مختلف می گذاریم و علاقمان در امور مختلف می توانیم بتهايمان را بشناسیم و به قول یوحنا "بتها را از خود دور کنیم" (اول یوحنا ۵:۲۱).

خود را گول نزنیم، خود پرستی یا هر چیز گناه آلودی را که امروز در قلب ما است دور بریزیم. مردم معمولاً نسبت به خود خوشبین هستند ولی متأسفانه خیلیها که فکر می کنند چشمان خود را در بهشت باز می کنند ، شاید در جهنم چشمانشان را باز کنند!

۲- صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه پایین در زمین است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما، زیرا من که یهوه، خدای تو می باشم، خدای غیور هستم، که انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می گیرم. و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند، رحمت می کنم

قانون دوم در مورد راه صحیح عبادت کردن خداوند است. هیچ چیزی مثل مجسمه ، عکس ، مقدسین ، فرشتگان ، شبانان و ... نباید پرستیده شود. البته استفاده از عکس ، صلیب و احترام به آنها (تکریم) بت پرستی نیست بلکه بت پرستی زمانی است که ما بجای رابطه زنده با خداوند ، اشیاء مقدس را بپرستیم ولی اگر اشیاء مقدس ما را به خدا

نزدیک تر سازند ایرادی ندارند ، چون در عهد عنیق هم اشیاء مقدس مثل صندوق عهد ، عصای هارون ، من ، دو کروبی (خروج ۲۵:۱۹) وجود داشتند.

امروز متاسفانه روشهای دروغین پرستشی دیگری هم وجود دارد. مثل رقصهای دنیوی در جلسات پرستشی، به وجد آمدن تنها احساسات ، هل دادن به نشانه گرفتن برکت ، تف کردن ، سر را به دیوار زدن و .. ما باید برگردیم به حرف مسیح "خدا روح است و پرستندگان او را به روح و راستی پرستند." (یوحنا ۴:۲۴) احساسات توخالی ما را از اصل جدا می کند و مانع می گردد که ما مسیحیانی اصیل ، غنی و کتاب مقدسی گردیم.

۳- نام یهوه، خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برَد، بی گناه نخواهد شمرد.

می گویند وقتی که خدا این قانون را می داد کوه سینا لرزید. خداوند ما خدای غیوری است (خروج ۳۴:۱۴) و او برای نامش و جلالش غیرت دارد. خداوند ما قدوس است (لاویان ۱۱:۴۵) و نام او نیز مقدس است. یهودیان نام یهوه را هرگز بر زبان نمی آوردند و می گفتند: "ی ه و ه". نام یهوه تنها یکبار در سال آن هم در روز کفاره توسط کاهن اعظم استفاده می شد. نسخه برداران وقتی به این کلمه می رسیدند خود را تطهیر می کردند و بعد این کلمه را می نوشتند. این قانون همان دعای "نام تو مقدس گردد" است. ما با زندگی و زبانمان باید باعث جلال نام خدا گردیم.

ما از زبانمان نباید قسم و لعنت و هر قسم چیز بدی بیرون آید (افسیان ۴:۳۱). ما با زبانمان نباید همدیگر را توهین کنیم چون به روح القدسی که درون برادر یا خواهرمان وجود دارد و به مسیحی که برای برادر یا خواهر ما مرده است توهین می کنیم. ما نباید از نام مسیح سواستفاده کنیم. نام مسیح یک هدیه ای است که مسیح به ما داده تا در نام او به حضور خدا برویم و در نام او جواب دعاهایمان را بگیریم. ولی یادمان باشد که کلام خدا می گوید: "هر که نام مسیح را می برد ، از ناراستی کناره جوید" (دوم تیموتائوس ۲:۱۹) ، پس با زبانمان باعث جلال خدا گردیم. با زبانمان به خدا احترام بگذاریم و زبانمان تبدیل به زبان خدا گردد. البته باید زبانمان با قلبمان یکی باشد ، در غیر اینصورت ما ریاکار خواهیم بود.

۴- روز سَبَّت را یاد کن تا آن را تقدیس نمایی. شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور. اما روز هفتمین، سَبَّتِ یهوه، خدای توست. در آن هیچ کار مکن، تو و پسرت و دخترت و غلامت و کنیزت و بهیمهات و مهمان تو که درون دروازه های تو باشد. زیرا که در شش روز، خداوند آسمان و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست بساخت، و در روز هفتم آرام فرمود. از این سبب خداوند روز هفتم را مبارک خوانده، آن را تقدیس نمود.

این قانون برای استراحت از کار و دادن وقت به خداوند است. ما نیاز به استراحت جسمانی و روانی داریم. ما باید کار کنیم و زحمت بکشیم. این اراده خداوند است (هرکس کار نمی کند غذا هم نخورد، دوم تسالونیکیان ۳:۱۰) ولی باید زمانی هم به استراحت و بودن با خانواده بگذرانیم. همچنین ما باید برای خدای خالقمان و منجیمان وقت اختصاص دهیم. در عهد جدید روز سبت به روز یکشنبه که روز خداوند است (اول قرنتیان ۱۶:۲) تبدیل می گردد و علت آن عظمت رویداد قیام مسیح خداوند از مردگان در روز یکشنبه است (یوحنا ۱:۲۰). لازم به توضیح است که روز اول خلقت (روز خلق روشنایی و جدا کردن آن از تاریکی - پیدایش ۱ آیات ۴ و ۳) و روز پنطیکاست (لاویان ۲۳:۱۶) هم یکشنبه بودند. زندگی و وقت هدیه ای از طرف خداوند به ما است و ما باید از این هدیه به نحو احسن استفاده کنیم. روزمان را با دعا شروع کنیم و در طول روز همراه کارمان با خداوند زندگی کنیم. مسیح هیچ گاه به قانون سبت حمله نکرد بلکه آنرا از اضافات مضر و ساخته انسانی پاک کرد و به سوی هدف اصلی از این قانون که همانا دادن وقت به خداوند و انجام اراده خدا است، هدایت کرد.

ما در عهد جدید هر روزمان باید روز خدا باشد (مکاشفه ۱:۱۰).

۵- پدر و مادر خود را احترام نما، تا روزهای تو در زمینی که بپوهه خدایت به تو می بخشد، دراز شود.

در عهد عتیق کسانی که به پدر و مادر خود فحش دهند و یا آنها را بزنند یا لعنت کن، مجازات مرگ و سنگسار تعیین شده بود (خروج ۲۱:۱۵ و ۲۱:۱۷ - لاویان ۲۰:۹). امروزه با از بین رفتن مرزها می بینیم که اکثر مردم نسبت به والدینشان رفتار خوبی ندارند. خانواده مسیحی یعنی رابطه درست بین اعضای خانواده که مورد تأیید کتاب مقدس می باشد. ما نباید اجازه دهیم جو قدر شناسی دنیا روی ما هم تاثیر بگذارد. امثال سلیمان و انجیل هم بارها بر احترام بر مادر و پدر تاکید می کند. انجیل می گوید مسیح مطیع والدینش بود (لوقا ۲:۵۱)، پس چقدر بیشتر ما باید مطیع والدین خود باشیم. والدین ما، ما را بزرگ کرده اند و ما بدون آنها نمی توانستیم به اینجا برسیم.

لعنت و برکت، کامیابی در زندگی و عمر دراز و خوب به رابطه ما با اعضای خانواده خود دارد، این اولین حکم با وعده است. (خروج ۲۰:۱۲)

انجیل می گوید کسی که برای خویشان خود تدبیر نمی کند، بدتر از بی ایمان است. (اول تیموتائوس ۵:۸) این تنها حکمی است که ما همیشه امکان انجام آنرا نداریم، زیرا روزی می رسد که والدینمان می میرند، پس تا زمان داریم قدر آنها را بدانیم و با محبت و اطاعت از آنها، محیطی مسیحی در خانواده هایمان بوجود بیاوریم.

۶- قتل مکن.

شاید بین ما قاتل نباشد، اگرچه خدا قاتلان را هم در صورت توبه و ایمان به مسیح می پذیرد!

ولی حال می خواهیم در مورد چیزهای دیگری صحبت کنم. هرگونه سقط جنین^۱ (نه سقط جنین های که خود به خود بدون دخالت والدین یا پزشک اتفاق می افتد) بجز در حالتی که جان مادر در خطر مرگ باشد از طرف کلیسای ما گناه و قتل است. مسیحیت شدیداً معتقد است که زندگی از لحظه ای که نطفه بوجود می آید، شروع می شود (داوران ۱۳:۱۵-مزمور ۱۰:۲۲-۵۱:۵-۷۱:۶-۱۳۹:۱۳-اشعیا ۱:۴۹).

بنابراین حتی اگر حاملگی بر اثر رابطه نامشروع و یا حتی تجاوز بوده و یا حتی اگر بچه مریض به دنیا بیاید، باز هم حق سقط جنین وجود ندارد. بخاطر گناه خود یا راحتی خود اجازه نداریم جان انسان دیگری را بگیریم. مورد دیگر قتل می تواند قتل‌های توجیه کننده مثل قتل افراد فاسد و گناهکار، قتل برای آزادی، قتل برای انتقام و ... همگی گناه و قتل است.

مسیح گفت: "اگر ما خشمگین شویم و ناسزا بگوییم سزاوار مرگ هستیم." (متی ۲۲:۵)

آرزوی مرگ دیگران و یا نبودن آنها حاکی از تنفری است که از نظر خدا ریشه قتل است و سزاوار داوری است. بنابراین گفتن مرگ بر کسی در مسیحیت مردود است.

ترور شخصیت چیزی کمتر از مرگ ندارد، خلیبها زنده هستند ولی به علت آسیب های عاطفی و جسمانی که از طرف دیگران دیده اند زندگیشان فلج شده است و اینها قاتلند و خدا آنها را در صورت عدم توبه به سختی مجازات خواهد کرد.

خودکشی هم قتل خود است، در کتاب مقدس ۴ گزارش خودکشی (شائول و سلاحدارش "اول سموئیل ۳۱ آیات ۳ و ۴" - اخیوتوفل "دوم سموئیل ۱۷: ۲۳" - یهودا "متی ۵: ۲۷") است که همه افرادی منفی بودند.

بدن ما و زندگی ما مال خداوند است (اول قرن‌تیان ۶ آیات ۱۲-۲۰) و ما نه حق داریم جان خود را بگیریم و نه جان دیگری را.

در مورد دفاع از کشور در جنگ و اعدام گناهکاران بوسیله دولت مساله مشکل است و بعضی ها موافق و بعضی ها مخالف آن هستند. در جنگ صرفاً می توانیم از حق خود، کشور و خانواده و ملتمان دفاع کنیم^۲ (بدون کشتن شخصی تا آنجا که ممکن است) و در مورد اعدام مجرمین هم موافق نیستیم، اگرچه نمی توانیم به آن ایراد هم بگیریم ولی حبس را برای مجازات ترجیح می دهیم.

قتل می تواند صورتهای دیگری هم داشته باشد، مثل کسی که گوشت فاسد به بازار عرضه می کند.

کسی که با فروختن مشروبات الکلی و مواد مخدر باعث مرگ دیگران می گردد.

کسی که با ترویج نوع خاص موسیقی اش باعث خودکشی شنوندگانش می شود.

^۱ اطلاعات آماری جهان نشان می‌دهد که هم اکنون هر ساله در حدود ۴۲ میلیون سقط جنین در دنیا انجام می‌شود. (مرجع: سایت abortionno.org و worldometers.info) این در حالی است که ۲ میلیون نفر سالانه بر اثر "ایدز" می‌میرند. (یعنی سقط جنین نسبت به ایدز، ۲۱ برابر بیشتر باعث مرگ می‌شود)
^۲ جنگ برای دفاع مشکلی ندارد، اگر کسی به خانه، ناموس و کشور و دین تو حمله کرده و می‌خواهد تو را بکشد، اگر تو از خود دفاع کنی و او کشته شود گناه نیست.

فرزندانی که ذره ذره والدینشان را زجر کش می کنند.

خداوندا به ما حکمت بده که درست زندگی کنیم.

۷- زنا مکن.

"بت قرن حاضر زنا است". امروز زنا از طریق مجلات ، اینترنت ، ماهواره و مراکز فساد در کل دنیا گسترش یافته و همه را در بر گرفته است.

کلیسا باید در مقابل این بت به مبارزه پردازد. سکوت چیزی را حل نمی کند.

اگر شریعت ، انبیاء ، امثال سلیمان ، اناجیل و نامه ها و تاریخ کلیسا همواره در مورد این گناه ایستاده است.

امروز نیز ما باید بیش از همیشه پیغام "رابطه جنسی تنها در چارچوب ازدواج" را به گوش جهانیان برسانیم. خدا هیچ تعارفی با این گناهکاران ندارد و تمام کسانی که از این گناه توبه نمی کنند به جهنم خواهند رفت.

خدا به ما آزادی جنسی نداده است!

او شهرهای سدوم و عماره را برای گناهان جنسی و هم جنس بازی از بین برد ، لعنتی که بر حام پسر نوح و نسل او آمد برای نگاه کردن به برهنگی (پیدایش ۹:۲۲) بود.

گناه داود باعث مرگ پسرش و آمدن زنا در بین فرزندان او شد.

شبهوت هدیه شیطان است ولی محبت هدیه خداست. دنیا می گوید : **Love is god** اما مسیحیت می گوید **God is love**. مسیح گفت حتی تصورات ناپاک ما زنا است (متی ۵:۲۸).

درست است که تمام زناکاران به جهنم می روند و داوری خدا در انتظار آنها است^۳ ، ولی ما باید پیغام محبت خدا و توبه و پیغام خوش و نجات بخش انجیل را به گوش آنها برسانیم و آنها می توانند از این گناه و اسارتشان با قدرت خون مسیح آزاد گردند (اول قرنیتیان ۶:۱۱).

^۳ نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیرنجس زیرا که فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود. (عبرانیان باب ۱۳)

اول تسالونیکیان ۴ : ۳ (خواست خدا این است که شما پاک باشید و از روابط جنسی نامشروع بپرهیزید.)
یهودا ۱ : ۷ (همین طور شهرهای سدوم و غموره و شهرهای مجاور آنها که خود را به زناکاری و انحرافات جنسی تسلیم کردند و اکنون به عنوان عبرت در آتش جاودانی مجازات می شوند.)

اول قرنیتیان ۱۰ : ۸ (مرتکب گناهان جنسی نشویم چنانکه بعضی از آنها مرتکب شدند و در عرض یک روز، بیست و سه هزار نفر از آنها مردند)
اول قرنیتیان ۶ : ۱۸ (از شهوترانی بگریزید. هر گناه دیگری که انسان مرتکب می شود خارج از بدن است، اما هرکه مرتکب گناهان جنسی می شود، نسبت به بدن خود گناه می کند.)

اول قرنیتیان ۵ : ۱ (در حقیقت گفته شده است که در میان شما یک نوع رابطه جنسی نامشروع وجود دارد و این عمل آن قدر زشت است که حتی در میان کافران هم پیدا نمی شود، زیرا می شنوم که شخصی با زن پدر خود می خوابد.)

رومیان ۱ : ۲۷ (به همان طریق مردان روابط جنسی طبیعی را با زنها ترک نمودند و در آتش شهوت برای هم جنسان خود سوختند. مردان مرتکب کارهای زشت و ننگین با مردان دیگر شدند و در وجود خودشان مجازاتی که درخور چنین خلافکاری است، دیدند.)

تثنیه ۲۷ : ۲۱ «لعنت بر آن کسی که با حیوانی رابطه جنسی داشته باشد. همه مردم بگویند: 'آمین!'
لاویان ۲۰ : ۱۳ (اگر مردی با مرد دیگری رابطه جنسی داشته باشد، هر دوی آنها مرتکب کار زشتی شده اند و باید هر دو کشته شوند، خودشان مسنول مرگ خودشان خواهند بود.)

لاویان ۱۸ : ۲۳ (هیچ زن یا مردی نباید با حیوانی رابطه جنسی داشته باشد، چون با این عمل خود را ناپاک می سازد و این کار بسیار زشت است.)

لاویان ۱۸ : ۲۲ (هیچ مردی نباید با مرد دیگری رابطه جنسی داشته باشد، زیرا خدا از این کار نفرت دارد.)

دزدی فقط سرقت از بانک نیست، دزدی می تواند در چیزهای کوچک مثل ندادن مالیات باشد (دزدی از دولت). اگر ما به اندازه حقوقی که می گیریم کار نمی کنیم دزدی می کنیم (دزدی از کارفرما). اگر ما به کارگرمایان به اندازه کارش دستمزد نمی دهیم دزدی می کنیم (دزدی از کارگران). اگر ما با کلاهبرداری و نابود کردن دیگران به ثروت می رسیم دزدیم.

اگر در کارمان صداقت نداریم دزدیم.

با قمار و شرط بندی ثروتمند شدن و به آنها امید بستن گناه و نوعی دزدی است.

اگر ما از وقتمان و مالمان و استعدادهایمان برای خدا استفاده نمی کنیم از او می دزدیم. (دزدی از خدا) دزدی می تواند چیزهای کوچکی مثل خودکار، کاغذ، نان و ... هم باشد که بعضی ها انجام می دهند، ولی مسیحی نباید هم رنگ جماعت شود بلکه باید هم رنگ عیسی مسیح گردد. اگر ما دزدی کرده ایم، باید علاوه بر توبه، جبران و اعتراف هم بکنیم. توبه زکی با جبران بود (لوقا ۸: ۱۹)، ما هم باید کارهای اشتباهمان را تا حد توانمان جبران کنیم.

۹- بر همسایه خود شهادت دروغ مده.

متأسفانه در جامعه ای زندگی می کنیم که دروغ قسمتی از کار هر روزه ما شده است. ولی کلام خدا هرگونه دروغ مثل مصلحتی، تحریف حقیقت، پنهان کاری را مردود و گناه می داند.^۴ این فرمان علاوه بر دروغ، در مورد تهمت و محکوم کردن و غیبت هم صادق است. کلام خدا بارها ما را در مورد استفاده درست از زبانمان هشدار می دهد. هرگونه شایعه

^۴ رومیان ۱۳: ۹ زیرا که زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، طمع مورز و هر حکم دیگر که هست، همه شامل است در این کلام که همسایه خود را چون خود محبت نما.

افسیان ۴: ۲۵ لهذا دروغ را ترک کرده، هر کس با همسایه خود راست بگوید، زیرا که ما اعضای یکدیگریم.

کولسیان ۳: ۹ به یکدیگر دروغ مگوئید، چونکه انسانیت کهنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید،

اول تیموتائوس ۱: ۱۰ و زانیان و لواطان و مردم دزدان و دروغ گویان و قسم دروغ خوران و برای هر عمل دیگری که بر خلاف تعلیم صحیح باشد،

اول تیموتائوس ۴: ۲ به ریاکاری دروغگویان که ضمائر خود را داغ کرده اند؛

یعقوب ۳: ۱۴ لکن اگر در دل خود حسد تلخ و تعصب دارید، فخر مکنید و به ضد حق دروغ مگوئید.

اول یوحنا ۱: ۶ اگر گوئیم که با وی شراکت داریم، در حالیکه در ظلمت سلوک می نماییم، دروغ می گوئیم و برآستی عمل نمی کنیم.

اول یوحنا ۲: ۴ کسی که گوید او را می شناسم و احکام او را نگاه ندارد، دروغگوست و در وی راستی نیست.

اول یوحنا ۲: ۲۲ دروغگو کیست جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند. آن دجال است که پدر و پسر را انکار می نماید.

اول یوحنا ۴: ۲۰ اگر کسی گوید که خدا را محبت می نمایم و از برادر خود نفرت کند، دروغگوست، زیرا کسی که برادری را که دیده است محبت ننماید، چگونه ممکن است خدایی را که ندیده است محبت نماید؟

مکاشفه ۲۱: ۸ لکن ترسندگان و بی ایمانان و خبیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.»

مکاشفه ۲۱: ۲۷ و چیزی ناپاک یا کسی که مرتکب عمل زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن نخواهد شد، مگر آنانی که در دفتر حیات بره مکتوبند.

مکاشفه ۲۲: ۱۵ زیرا که سگان و جادوگران و زانیان و قاتلان و بت پرستان و هر که دروغ را دوست دارد و بعمل می آورد، بیرون می باشند.

پراکنی ، هر گونه غلو کردن ، هر گونه سخن چینی ، دو پهلو حرف زدن ، منحرف کردن حقیقت همه جزو این دروغ هستند .

داریوش پادشاه سالها قبل برای ایران چنین دعا کرد : "خداوند این کشور را از دشمن ، قطعی و دروغ دور نگاه دارد." می گویند روزی یک معتاد داستان نجات خود را می گفت و گفت که او از بیماری خود شفا یافته است ، ولی بعدا متوجه شدند که او بیمار نبوده است و وقتی از او پرسیدند که چرا دروغ گفته است ، او جواب عجیبی داد . او گفت : "من حاضرم برای جلال خدا دروغهای بزرگتر از این هم بگویم"

دوستان عزیز ، خدا با دروغ ما جلال نمی یابد . حرفهای ما هرگز قابل بازگشت نیستند و قدرت موت و حیات دارند (امثال ۱۸:۲۱) ، پس مواظب باشیم.

۱۰- به خانه همسایه خود طمع موزز، و به زن همسایهات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد، طمع مکن .

طمع مخالف قانع بودن است که باید از خصوصیات مسیحیان باشد (فیلپیان ۴: ۱۱-اول تیموتائوس ۶: ۶ - عبرانیان ۱۳: ۵) . طمع را می توان در زندگی لوط (طمع زندگی بهتر) ، یهودا (طمع پول پرستی)، جیحزی (طمع ثروت اندوزی)، داود (طمع شهوت) و شائول (طمع مقام) دید. طمع مخالف انکار نفس است که از لازمه های شاگردی مسیح است (لوقا ۹:۲۳). طمع ناشکر بودن است . طمع باعث می شود ما از زندگی لذت نبریم و باعث از بین رفتن زندگی ایمانیمان می شود.

نتیجه :

ما احتیاج به بیداری داریم ، بیداری آن زمان شروع می گردد که ما با خدا و گناهانمان برخورد کنیم و تصمیم بگیریم موانع ناپاکی و گناه را از خود دور کنیم. خدا امروز با کلامش با ما حرف زد و حال می خواهد در ما کار کند ، قلب خود را به روی او بکشاییم و اجازه دهیم او در ما کار کند. دعا کنیم.